

شخصیت احمد ابن حنبل

شخصیت احمد ابن حنبل

أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، یکی از امامان چهارگانه فقهی اهل سنت است، او نیز مانند دیگر بزرگان عامه مورد تعریف از طرف هواداران و مورد جرح و سرزنش از طرف مخالفان شده است. وی در جریان قدم و حدوث قرآن رهبری قائلین به قدم قرآن را به عهده گرفت و به خاطر این مسأله زندانی شده و بعدها مورد حمایت متوکل قرار گرفت، و بر اعتقاد به تربیع (چهار خلیفه) در بین اهل سنت نقش مهمی داشت.

أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال، یکی از امامان چهارگانه فقهی اهل سنت است، مادرش از مرو خراسان در حالی که به وی آبستن بود خارج شد، و او را در بغداد در ماه ربیع الاول سال 164 (ه.ق) به دنیا آورد. و یا در مرو به دنیا آمده و در بغداد بزرگ شده است. و در سال 241 (ه.ق) در بغداد از دنیا رفت و در باب حرب (محلّه ای در بغداد) دفن شد. [1]
او از خواصّ اصحاب شافعی (یکی دیگر از امامان فقهی عامه) بوده است، و پیوسته ملازم وی بود تا شافعی به مصر کوچ کرد. شافعی او را متقی ترین افراد می دانست. [2]
نسب او به ذُو النُّدْبَةِ رئیس خوارج منتهی می گردد، با آنکه او از بزرگان ائمه اهل سنت و قائلین به خلافت حضرت علی (ع) و جوب متابعت ایشان است؛ ولی درمسائلی- مخالف- روش- اهل-بیت (ع) است. شیخ-صدوق- و ابن-شهر آشوب و دیگران؛ علت عداوت احمد بن حنبل با علی (ع) را، کشته شدن جدش ذوالنُدْبَةِ به دست آن حضرت می دانند. [3]

شخصیت احمد بن حنبل درنگاه تابعین و مخالفین

احمد بن حنبل نیز مانند برخی دیگر از بزرگان عامه، هم در نقل فضایلش از طرف هوادارانش غلو زیاد شده و او را از حدی که در آن بوده خیلی بالاتر برده-اند، و هم از طرف مخالفینش که تابع دیگر مذاهب فقهی عامه هستند، جرح شده و عیوبش ذکر گردیده که به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم:

غلو حنابله درباره پیشوایشان

حنبلیان برای دعوت به مذهب و رهبرشان، گامهای بلندی برداشته و دروغهایی را در فضیلت او جعل کرده اند، ازجمله:

1- عزت اسلام با احمد بن حنبل

غلوها به حدی رسیده که گفته-اند: «خداوند این دین را به وسیله دو مرد عزت بخشید که نفر سومی ندارد، یکی ابوبکر بود در روز ارتداد، و دیگری احمد بن حنبل در روز محنت» [4]
گویا احادیث دیگری را که جعل کرده بودند یادشان رفته، که از زبان پیامبر (ص) نقل کرده اند: «خداوند! اسلام را فقط به وسیله عمر بن خطاب عزیز گردان!!!» [5] و برخی هم او را قائم مقام پیامبر در امت دانسته اند. [6]

2- نوشته- ای از خدا برای احمد بن حنبل

در فضایل او نوشته اند، زنی به نام آمنه رملیه، برای احمد بن حنبل دعا کرد که خدایا او را در پناهت قرار بده، در آن شب نامه ای از آسمان؛ از طرف خداوند براحمد نازل شد که در آن نوشته

بود: «بسم الله الرحمن الرحيم آن دعا مستجاب شد و نزد ما بیش از آن است»!!! [7]

3- آمدن سیل و کرامت احمد

سالی در محل دفن احمد سیل آمد، ولی به اذن خدا، اتفاقی که قبر در آن بود، درامان ماند و آب وارد آن شد ولی از حرکت باز ایستاد، حتی غبار روی حصیرهای اطراف قبر به همان حال باقی بودند. [8]

علامه امینی فرموده- اند: «درصحت این کرامت همین بس که از آن مرقد با کرامت! هیچ اثری نمانده و چنان نابود شده و به داستانها پیوسته که گویا نبوده است» [9]

4- خداوند هر سال به زیارت قبر احمد می-آید!

مناقب سازان احمد نقل کرده- اند: ابوبکر بن مکارم ابن ابویعلی؛ در خواب دید که به زیارت قبر احمد رفته است، ولی قبر او در زمین فرو رفته و فقط به اندازه یک یا دو آجر با زمین فاصله دارد، گمان کرد در اثر بارانی است که باریده، ناگهان صدایی از قبر شنید که گفت: «بلکه این از هیبت خدای عزوجل است که به زیارت من آمده بود و از هیبت او قبر به این شکل افتاده است.» در ادامه این خواب، احمد از خدا می-پرسد چرا هر سال به زیارت من می-آیی؟ خدا می-گوید: چون تو مرا یاری کردی و باعث شدی سخنم در مجالس گسترش یابد.!!! [10]

و از این غلوها در مورد احمد، از طرف تابعانش، زیاد شنیده شده که به برخی اشاره شد.

طعن براحمد بن حنبل

در مقابل، کسانی هم از علمای عامه هستند که احمد را مورد طعن قرار داده و از عیوب او گفته- اند مثل:

1- خطیب بغدادی که در مورد مذهب احمد و اصحابش تعصب داشته و در عیوب آنها سخنی دارد تا جایی که احمد را به بی حیایی و بی دینی نسبت می-دهد. [11]

2- محمد بن محمد بروی، از علمای شافعی، گفته است: «اگر من قدرت داشتم؛ برحنابله جزیه قرار می-دادم» [12]

و برخی هم راه میانه رفته، و هرگونه نصی در فضیلت و ذم امامان چهارگانه را رد کرده- اند، و فضائل و جرائم آنها را جعلی دانسته- اند. [13]

شخصیت علمی و فقهی احمد بن حنبل و فقه و مذهب او هم محل تضارب آراء است

1- عده- ای از بزرگان علما و فقهای عامه؛ احمد بن حنبل را فقیه نمی-دانند بلکه او را فقط یک محدث می-دانند، و برخی هم که در مورد فقها کتاب نوشته- اند، او را جزء فقها نیاورده- اند. [14]

البته ظاهراً خود احمد بن حنبل نیز خود را جزء فقها نمی-دانست و در مواردی که از حکم شرعی و حلال و حرام از او سوال می-کردند، نمی-توانست جواب دهد و مردم را به فقهای مثل ابا ثور [15] رجوع می داد. [16]

2- درمقابل، عده ای هم در دفاع از احمد و افکار و مذهب فقهی و کتاب مسند او، کتاب نوشته- اند، مثل ابن جوزی، کتاب (مناقب احمد بن حنبل) و ابن حجر عسقلانی، کتاب (القول المسدد فی الذب عن مسند احمد). [17]

احمد بن حنبل، پیشرو تفکر سلفیه [18]

احمد بن حنبل به عنوان امام و پیشوای سلفیه نیز شناخته می-شود، زیرا او اولین کسی بود که هنگامی که با هجوم فلسفه- ها و فرهنگهای بیگانه از قبیل هند و یونان و ایران به حوزه های اسلامی و مخلوط شدن آن با عقاید اسلامی مواجه شد، به این فکر افتاد که حدیث را از این هجمه نجات دهد، ولی به تفریط شدیدی گرفتار شده و به طور کلی عقل گرایی و عقلانیت را انکار کرده و راه ورود آن را به احادیث بست. بنابراین اگر چه می-خواست از برخی مشکلات رهایی یابد ولی در عوض به مشکلاتی بسیار دشوارتر گرفتار شد. تکیه اساسی احمد بن

حنبل، بر سماع و شنیدن است یعنی توجه کردن به ظاهر آیات و احادیث نبوی در عقاید و عدم توجه به عقل.[19] روش احمد بن حنبل درباره عقیده و کیفیت تبیین آن، این بود که از هرچه که صحابه و تابعین سخن می-گفتند او نیز سخن می گفت. در هرچه آنان سکوت می-کردند او نیز سکوت می-کرد و بر ظاهر کتاب و سنت حکم می-کرد، و هیچ حدیثی را تأویل نمی-کرد و در مورد صفات خبریه نیز، بدون تأویل به ظاهرشان اعتقاد داشت.[20]

شخصی از احمد بن حنبل در مورد احادیثی سوال کرد که می-گوید: خداوند متعال هر شب به آسمان دنیا می آید دیده می-شود و قدمش را در آتش می-گذارد و امثال این احادیث. در جواب گفت: ما به تمام احادیث ایمان داریم و آنها را تصدیق می-کنیم و هیچ گونه تأویلی برای آنها نمی-کنیم.[21]

برخی از اعتقادات احمد بن حنبل

احمد بن حنبل در موضوعات مختلف دارای تفکراتی می-باشد که باعث تمییز وی از علمای دیگر اهل سنت می-باشد که به صورت خلاصه آنها را ذکر می-نماییم.

الف: جریان قدم و حدوث قرآن

معتزله که در مقابل تفکرات احمد بن حنبل قرار داشتند و بر خلاف حنابله قائل به حجیت عقل بودند، در زمان مأمون عباسی مورد حمایت او قرار گرفتند و پس از آن معتصم و واثق عباسی نیز از حامیان سرسخت معتزله گشتند. در همین زمان بحث حادث یا قدیم بودن قرآن کریم، بعنوان کلام الهی پیش آمد و بنا به دستور مأمون مقرر شد که هر کس به خلاف نظر معتزله، معتقد به عدم خلق و حدوث قرآن گردد، بایستی تأذیب شود. به دنبال این دستور افراد فراوانی به زندان افتادند و شکنجه ها دیدند از جمله آنها احمد بن حنبل بود که قائل به خلق قرآن و حدوث آن نبود، بلکه قرآن را قدیم می-دانست.

احمد ابن حنبل بر نظریه خود اصرار کرد و سالها در زندان ماند، این جریان تا زمان متوکل ادامه داشت. متوکل بر ضد معتزله برخاست و معتزلیان را منکوب کرد و در دوره او احمد بن حنبل مورد اکرام قرار گرفت و متوکل عباسی که در عقیده خلق نشدن قرآن با شیخ حنبلی هم رأی بود و مقاومت او را در برابر مأمون می-ستود، جایگاه بالایی برای او قائل شد. همین اقبال دولت به شیخ منجر به نفوذ هر چه بیشتر کلام او شد و مردم به دور او جمع شدند و مذهب او رواج پیدا کرد، از این دوره به (دوره محنت) یاد می-کنند. این حادثه تاریخی سبب تضعیف معتزله و قدرت مخالفین آنها یعنی (اهل السنة) و (اهل الحديث) گردید.[22]

ب: نقش او در عقیده تربیع خلفا

تا پیش از احمد بن حنبل عقیده اکثر اهل سنت این بود که بعد از پیامبر سه خلیفه (ابوبکر، عمرو عثمان) بر سر کار آمده-اند و حضرت علی(ع) در نظر آنها فردی بوده که خلافتش مورد تشکیک بود و حضرت علی(ع) را افرادی مانند: عایشه، عبدالله بن عمر، سعد وقاص، طلحه، زبیر و معاویه به عنوان خلیفه به رسمیت نشناخته بودند. با این حال احمد بن حنبل که خود مدتی شاگرد شافعی امام سوم اهل سنت بود و از گرایش های دوستانه او نسبت به حضرت امیرالمومنین(ع) بهره برده بود، برای نخستین بار عقیده به تربیع (چهار خلیفه) را مطرح کرد و توانست آن را در میان عامه نهادینه کند و اعلام کرد که اشکالی ندارد اگر کسی علی(ع) را خلیفه-ی چهارم بداند و این اعتقاد باعث خروج فرد از اهل سنت نمی-شود.[23]

از او نقل شده که اعلام کرد هرکس حضرت علی(ع) را به عنوان خلیفه چهارم نپذیرد با او ازدواج و صحبت نکند.[24]

تألیفات و اصول مذهب احمد بن حنبل

احمد بن حنبل دارای تالیفاتی است؛ مشهورترین آنها کتاب «المسند» است که حدود چهل هزار حدیث دارد، و کتابهای دیگر او عبارتند از: الناسخ والمنسوخ، کتاب الزهد، المعرفه والتعلیل، الجرح والتعديل. [25]

احمد بن حنبل مذهب خود را بر چند اصل ذیل بنیاد نهاد:

1. نص قرآن و سنت 2. فتاوی صحابه پیغمبر (ص) 3. در صورت اختلاف قول آنها، هرکدم موافق کتاب و سنت باشد. 4. اعتبار دادن به تمام احادیث مرسل و ضعیف. [26]
- مذهب احمد حنبل بعد از او اندکی گسترش یافت و بار دیگر در قرن هفتم هجری توسط ابن تیمیه (661-728ق) تبلیغ و ترویج گردید. [27] هرچند می-توان گفت وی در حقیقت روش عثمانیه در عهد معاویه و بنی امیه را احیا کرد و عقاید خود را به عنوان مذهب سلفیه که برگرفته از اهل حدیث و حنبلی بود، نام گذاشت و بعدها مذهب حنبلیه به سلفیه معروف و مشهور گردید.
- عقاید و آراء ابن تیمیه قرن‌ها به بوته-ی فراموشی سپرده شد، تا اینکه در قرن دوازدهم هجری محمد بن عبدالوهاب (1115-1206ق) ظهور کرد و به ترویج عقاید ابن تیمیه پرداخت. در عصر حاضر وهابیت مدعی پرچم داری اندیشه و افکار احمد حنبل می باشد هرچند برخی از عقاید وهابیت در مسئله توحید و شرک با عقاید احمد حنبل سازگار نمی باشد.

نتیجه

پیروان احمد بن حنبل در شخصیت او غلو کرده و مخالفینش در صدد تنقیص او برآمده-اند، روش او در حدیث؛ عمل به ظاهر احادیث و نصوص است، و در مورد صفات خبری قائل به تأویل نیست، او در برخی از مسائل اجتماعی و عقیدتی مسلمانان، مثل مسأله خلق قرآن و تربیع خلفا تأثیر گذار بوده و پرچم دار مذهب او در عصر حاضر؛ وهابیت هستند.

- [1] - [2]65-63 - [3] - () 220 3 1379 - [4]467 2 - 5 1417
- [5]184 - [6]83 3 - [7]335 10 1407 - [8]340 5 1415 -
- [9]1406 - [10]17811 1416 - 179 11 - [11]92 607 454 - 179 18 1412
- [12]269 - [13]370 6 1406 - [14]420 2 1408 - [15]144 1418 -
- [16]. 240 - [17]. 75 12 1406 - [18]396 7 1409 -
- [19](510 2) . - [20]511 2 1384 - [21](66 1386) .
- () [22]266 5 1425 - [23]() 330 10 1407 - [24]125 1418 - 7
- [25]379 - [26]96 2 - [27]169 1372 - 722 6